

## مسیر مالیاتی تولید هموار می شود؟

نظام مالیاتی ایران در آستانه تحولی بزرگ قرار گرفته است؛ تحولی که می تواند با حذف ممیزمحوری و استقرار حسابرسی سیستمی، هم عدالت را به ارغمان بیاورد و هم تولید را نجات دهد. زهرا خدادادی، دبیر کمیسیون اقتصادی مجلس با نگاهی آینده‌نگر از ضرورت این تغییر می گوید و تأکید می کند دیگر نمی توان با روش‌های قدیمی، اقتصاد پویای کشور را مد پریت کرد. او هوشمندسازی مالیات را نه یک انتخاب، بلکه یک الزام می داند که شفافیت، پیش‌بینی‌پذیری و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری را به دنبال دارد. امسال بیش از ۹۵ درصد مؤدیان بدون نیاز به مراجعه حضوری اظهارنامه‌های خود را ثبت کرده‌اند؛ نشانه‌ای روشن از اعتماد به سیستم و کارآمدی زیرساخت‌ها. خدادادی معتقد است این تحول، بار سنگین رسیدگی‌های سنتنی را از دوش مؤدیان و مأموران مالیاتی برداشته و تمرکز را به پرورنده‌های کلان و متخلفان معطوف کرده است. نتیجه: صرف‌جویی در زمان و هزینه برای فعالان اقتصادی و مسیری هموار تر برای تولید.

□ □ □

نظام مالیاتی هر کشوری، یکی از پایه‌های اصلی سیاستگذاری اقتصادی آن به شمار می‌رود. در ایران اما سال‌ها انکا به روش‌های سنتی و ممیزمحور در دریافت مالیات، مشکلاتی مانند فرار مالیاتی، نبود شفافیت و تصمیم‌گیری‌های سلیقه‌ای را به همراه داشته است. این ضعف‌ها نه‌تنها اعتماد عمومی به سیستم را کاهش داده، بلکه موانعی جدی پیش‌روی تولید و سرمایه‌گذاری ایجاد کرده بود. حالا با توسعه زیرساخت‌های دیجیتال و حرکت به سمت هوشمندسازی نظام مالیاتی، فرصتی طلایی برای اصلاح این ساختار فراهم شده است؛ فرصتی که می‌تواند اقتصاد کشور را به سمت شفافیت و عدالت بیشتر هدایت کند.

زهرا خدادادی، دبیر کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی معتقداست در دنیای امروز، تکیه بر تشخیص فردی مأموران مالیاتی دیگر پاسخگوی نیازهای اقتصادی نیست. به گفته او، نظام مالیاتی باید بر پایه داده‌های دقیق و واقعی شکل گیرد تا هم جلوی فرار مالیاتی گرفته شود و هم فعالان اقتصادی بتوانند با اطمینان بیشتری برنامه‌ریزی کنند. خدادادی به «جوان» می‌گوید: «ما نمی‌توانیم با نساژ و کارهای قدیمی، از یک اقتصاد پیچیده و در حال تحول مالیات بگیریم. هوشمندسازی یک ضرورت است، نه یک انتخاب.»



یکی از دستاوردهای مهم این تحول، افزایش پیش‌بینی‌پذیری در نظام مالیاتی است. برای دولت، این یعنی مدیریت بهتر منابع درآمدی و برسی فعالان اقتصادی، یعنی شفافیت در هزینه‌ها و کاهش ریسک‌های مالی. دیگر خبری از رسیدگی‌های وقت‌گیر و برخورد‌های سلیقه‌ای نیست. فرایندها ساده‌تر و داده‌های واقعی جایگزین حدس و گمان‌های سنتی شده‌اند. بعضاً بیش از ۹۵ درصد مؤدیان مالیات بر عملکرد، اظهارنامه‌های خود را به صورت الکترونیکی ثبت کرده‌اند بدون اینکه نیازی به حضور در ادارات مالیاتی داشته باشند. این تغییر، تنها یک بهبود در روش نیست، بلکه نشانه‌ای از اعتماد رو به رشد مردم به سیستم و کارآمدی زیرساخت‌های دیجیتال است.

از سوی دیگر، هوشمندسازی نظام مالیاتی به بازتوزیع وظایف مأموران مالیاتی هم کمک کرده است. در گذشته، مأموران زمان زیادی را صرف بررسی تکت‌تک اظهارنامه‌ها می‌کردند؛ کاری که هم خسته‌کننده بود و هم تا کارآمد. حالا اما در سیستم جدید، تمرکز روی پرونده‌های خاص و بزرگ‌تر رفته است. خدادادی توضیح می‌دهد این تغییر، رسیدگی سنتنی به اظهارنامه‌های مؤدیان حقوقی را ۵۰ درصد و مؤدیان حقیقی کلان را تا ۶۷ درصد کاهش داده است. این یعنی مأموران مالیاتی به جای درگیر شدن با انبوه پرونده‌های معمولی، وقت و انرژی خود را صرف شناسایی تخلفات بزرگ‌تر می‌کنند.

این تحول چه معنایی برای مردم و فعالان اقتصادی دارد؟ به زبان ساده، کسی که قانون را رعایت می‌کند، دیگر نیازی به اثبات صداقت خود ندارد و در مقابل، کسانی که اطلاعات واقعی را پنهان می‌کنند، با دقت بیشتری شناسایی می‌شوند. خدادادی این را نشانه‌ای از شکل‌گیری عدالت مالیاتی واقعی می‌داند. او تأکید می‌کند هدف اصلی، شفاف‌سازی فعالیت‌های اقتصادی است؛ چیزی که هم جلوی فرار مالیاتی را می‌گیرد و هم اعتماد عمومی را تقویت می‌کند.

اما شاید مهم‌ترین اثر این تغییر، در حوزه تولید و سرمایه‌گذاری باشد. خدادادی معتقد است حذف ممیزمحوری و استقرار نظام حسابرسی سیستمی می‌تواند ریسک سرمایه‌گذاری را کاهش دهد و مسیر تولید را هموارتر کند. وقتی فرایند دریافت مالیات شفاف و قابل پیش‌بینی باشد، تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران با اطمینان بیشتری وارد میدان می‌شوند. دیگر خبری از پیچیدگی‌های اداری و هزینه‌های غیرمنظره نیست.

به گفته او، این شفافیت نه‌تنها به جذب سرمایه‌گذاری کمک می‌کند، بلکه انگیزه‌ای برای توسعه تولید در کشور ایجاد می‌نماید. در حوز تولید و سرمایه‌گذاری، یکی دیگر از مزیت‌های این سیستم، صرف‌جویی در زمان و هزینه است. در روش‌های سنتی، فعالان اقتصادی مجبور بودند نیروی انسانی زیادی را صرف حسابرسی‌های دستی و پیگیری‌های اداری کنند. حالا اما با هوشمندسازی، این بار سنگین از دوش آنها برداشته شده است. خدادادی می‌گوید: «هوشمندسازی، هزینه و زمان فعالان اقتصادی را به شکل قابل توجهی کاهش داده و این یعنی فرصتی بیشتر برای تمرکز روی تولید و نوآوری.»

استفاده از ابزارهای تحلیلی هوشمند و داده‌های دقیق به یکی از پایه‌های این تحول است. این ابزارها به سیاستگذاران کمک می‌کنند تا تصمیم‌هایی مبتنی بر واقعیت بگیرند و اثربخشی سیاست‌های اقتصادی را بالا ببرند. برای مثال، تحلیل داده‌ها می‌تواند نشان دهد که کدام بخش‌ها بیشتر در معرض فرار مالیاتی هستند یا کدام سیاست‌ها بیشترین تأثیر را بر تولید داشته‌اند. این یعنی برنامه‌ریزی اقتصادی دقیق‌تر و کارآمدتر.

خدادادی در پایان صحبت‌هایش به تجربه کشورهای دیگر اشاره می‌کند و می‌گوید: «جهان نشان داده است حرکت به سمت نظام مالیاتی هوشمند، درآمدهای پایدار دولت را افزایش می‌دهد، فرسار مالیاتی را کم و اعتماد عمومی را تقویت می‌کند.» او معتقد است ایران هنوز در ابتدای این مسیر است، اما گام‌های اولیه امیدوارکننده بوده‌اند. اعتماد عمومی به گفته او، بزرگ‌ترین سرمایه‌ای است که یک نظام مالیاتی می‌تواند داشته باشد و هوشمندسازی، راه رسیدن به این سرمایه است.

به طور خلاصه، حذف ممیزمحوری و استقرار نظام حسابرسی سیستمی، مالیات‌ستانی را شفاف‌تر، قابل پیش‌بینی‌تر و منطبق با واقعیت‌های اقتصادی کرده است. این تغییر نه‌تنها ریسک سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد، بلکه با حمایت از تولید، اقتصاد کشور را به سمت رونق و پایداری هدایت می‌کند. حالا همه نگاه‌ها به ادامه این مسیر است؛ مسیری که می‌تواند آینده اقتصادی ایران را دگرگون کند.

«این همه پول در حساب‌های دستگاه‌های

اجرائی چه می‌کند؟» این پرسش رئیس کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس از مسعود پزشکیان رئیس جمهور برده از واقعیتی تلخ برمی‌دارد: انباشت میلیاردها تومان در حساب‌های دولتی در حالی که اقتصاد کشور زیر فشار تورم و گسری بودجه نفس می‌کشد. غلامرضا تاج‌گردون با اشاره به ارقام عجیب ۷۳ همت هزینه‌ای، ۱۹۶ همت عمرانی، ۲۲ همت دانشگاه‌ها، ۱۷ همت اختصاصی، ۱۰ همت عاملان ذی‌حساب‌ها و ۱۹ همت سازمان شهرداری‌ها، زنگ خطر را به صدا درآورده است. این اعداد نه تنها نشان‌دهنده عدم تحرک در هزینه‌کرد بودجه است بلکه از ناکارآمدی سیستم تخصیص منابع در شرایطی حکایت دارد که پروژه‌های عمرانی نیمه‌هستند، دانشگاه‌ها با بحران مالی و مردم زیر بار گرانی‌ها کم‌خیم کرده‌اند. چرا این منابع عظیم به جای تزریق به چرخه اقتصاد و رفع نیازهای فوری در حساب‌ها خاک می‌خورد؟ آیا این انباشت، نتیجه سوءمدیریت است یا سیاستی عمدی برای کنترل نقدینگی؟ منتقدان می‌گویند دولت باید با پاسخگو باشد، چرا که هر روز تأخیر در هزینه‌کرد این بودجه، به معنای تعمیق بحران معیشتی و زیرساختی است.

□ □ □

غلامرضا تاج‌گردون، چهره‌ای که سال‌هاست در پیچ‌وخم بودجه‌ریزی کشور نقش دارد با یک سؤال ساده اما پر معنا، نکته‌ای مهم در فضای اقتصادی ایران مطرح کرده است. او از انباشت ۲۴۷ هزار میلیارد تومان (همت) در حساب‌های دستگاه‌های اجرائی سخن گفته؛ رقمی که در

## اقتصاد

سررسین اقتصادی ۶۰۰۸۸۵۲۳

۳۴۷ هزار میلیارد تومان

در حساب‌های دولتی پارک شده است!

# پول عالی پز خالی!

در شرایط بحران اقتصادی، انباشت بودجه در حساب دستگاه‌ها سوآلات جدی را مطرح و انتقاداتی به دولت وارد کرده است

۱۲ گزارش یک سعید فرح‌بخش

نگاه اول شاید فقط یک عدد باشد، اما در دل خود داستان ناکارآمدی، بی‌برنامگی و شاید حتی محافظه‌کاری بیش از حد دولت را روایت می‌کند. در شرایطی که تورم افسارگسیخته، بیکاری و کاهش قدرت خرید، زندگی روزمره مردم را به چالش کشیده است، این پرسش مطرح می‌شود که چرا این حجم عظیم از منابع مالی در حساب‌ها بلوکه شده است و به چرخه اقتصاد تزریق نمی‌شود؟

بررسی ارقام اعلام شده از سوی تاج‌گردون نشان می‌دهد ۱۹۶ همت از این بودجه مربوط به بخش عمرانی است. این عدد زمانی معنادارتر می‌شود که بدانیم صدها پروژه عمرانی در کشور به دلیل کمبود اعتبار، سال‌هاست خاک می‌خورند. از جاده‌های نیمه‌تمام گرفته تا بیمارستان‌هایی که قرار بود تسکین‌دهنده درد مردم باشند، همه در انتظار بودجه‌ای هستند که ظاهراً در حساب‌ها موجود است اما به دست‌شان نمی‌رسد. آیا دستگاه‌های اجرائی توان جذب این بودجه را ندارند یا فرایندهای بوروکراتیک دست‌وپایشان را بسته است؟

در بخش هزینه‌ای، ۷۳ همت دیگر به چشم می‌خورد. این رقم می‌توانست صرف پرداخت تعویات کارمندان، افزایش حقوق‌ها یا حتی تقویت خدمات عمومی بشود، اما حالا به نظر می‌رسد به انبار نقدینگی دولت تبدیل شده است. دانشگاه‌ها هم با ۳۲ همت در این فهرست جا خوش کرده‌اند، در حالی که اساتید و دانشجویان از کمبود بودجه برای پژوهش و تجهیزات گلایه دارند. ۱۹ همت سازمان شهرداری‌ها نیز حکایت از آن دارد که شهرها می‌توانستند با این پول، زیرساخت‌های بهتری داشته باشند، اما این اتفاق نیفتاده است.

## درد

**غلامرضا تاج‌گردون، چهره‌ای که سال‌هاست در پیچ‌وخم بودجه‌ریزی کشور نقش دارد با یک سؤال ساده اما پر معنا، نکته‌ای مهم در فضای اقتصادی ایران مطرح کرده است. او از انباشت ۲۴۷ هزار میلیارد تومان (همت) در حساب‌های دستگاه‌های اجرائی سخن گفته؛ رقمی که در نگاه اول شاید فقط یک عدد باشد، اما در دل خود داستان ناکارآمدی، بی‌برنامگی و شاید حتی محافظه‌کاری بیش از حد دولت را روایت می‌کند**

کارشناسان اقتصادی معتقدند این انباشت می‌تواند دو دلیل عمده داشته باشد: نخست، ناتوانی دستگاه‌ها در برنامه‌ریزی و اجرای به‌موقع بودجه و دوم، سیاست انقباضی دولت برای مهار تورم. اگر دلیل دوم درست باشد، باید پرسید آیا دولت حاضر است به قیمت تعمیق رکود و توقف پروژه‌های حیاتی، تورم را کنترل کند؟ این استراتژی شاید در کوتاه‌مدت جواب دهد، اما در بلندمدت، اقتصاد را در سمت انجماد و نارضایتی عمومی سوق خواهد داد.

■ **دستگاه‌ها ناتوان یا دولت محافظه‌کار؟**
باید کمی دقیق‌تر شویم. عاملان ذی‌حساب‌ها با ۱۰ همت و بودجه اختصاصی ۱۷ همت، بخش‌های دیگری هستند که تاج‌گردون به آنها

اشاره کرده است. ذی‌حساب‌ها که مسئول نظارت بر هزینه‌کرد بودجه‌اند، خودشان حالا بخشی از این معادله پیچیده شده‌اند. آیا این پول‌ها به دلیل کندی فرایندهای نظارتی بلوکه شده است یا صرفاً در حساب‌ها پارک شده تا زمان مقتضی؟ از سوی دیگر، بودجه اختصاصی که معمولاً برای مأموریت‌های خاص دستگاه‌ها تعریف می‌شود، چرا به هدفش نرسیده است؟ این ابهامات، فرضیه سوءمدیریت را تقویت می‌کند.

نگاهی به تاریخچه بودجه‌ریزی در ایران نشان می‌دهد این مشکل ریشه‌دار است. در سال‌های گذشته نیز بارها شاهد انباشت بودجه در حساب‌ها بوده‌ایم، اما این بار، حجم اعداد و شرایط بحرانی اقتصاد، موضوع را حساس‌تر کرده است. گزارش‌های تخصصی در سال‌های اخیر بارها از عدم تحقق کامل بودجه عمرانی گلایه کرده و هشدار داده است این روند، رشد اقتصادی را فلج می‌کند. حالا که تاج‌گردون این ارقام را علنی کرده، توب در زمین دولت است تا توضیح دهد چرا این منابع عظیم، بلااستفاده مانده‌اند.

تورم جلوگیری ششود، اما منتقدان می‌گویند رسمی به این انتقادات نداده است. برخی مقامات غیررسمی می‌گویند این انباشت، بخشی از برنامه کنترل نقدینگی است تا از جشش دوباره تورم جلوگیری ششود، اما منتقدان می‌گویند این توجیه قابل قبول نیست؛ چرا که هزینه نکردن بودجه عمرانی و جاری، نه تنها تسورم را مهار نمی‌کند بلکه با کاهش تولید و خدمات، عرضه را کم و تقاضا را متورم‌تر



می‌کند. به عبارتی، این سیاست، خود به تورم دامن می‌زند.

■ **اقتصاد در انتظار تصمیمات شجاعانه**
از منظر سیاسی، این موضوع می‌تواند به چالشی برای دولت پزشکیان تبدیل شود. او که با وعده بهبود معیشت و شفافیت اقتصادی روی کار آمده، حالا باید نشان دهد که چگونه می‌خواهد این گره کور را باز کند. تاج‌گردون بسه عنوان یک چهره اقتصادی باتجربه، با این افشاگری، عملاً دولت را به محک گذاشته است. اگر این پول‌ها به‌موقع آزاد نشوند، نه تنها پروژه‌های عمرانی بلکه اعتماد عمومی به دولت نیز ضربه خواهد خورد. در این میان، مردم عادی که از گرانی‌نان تا هزینه‌های درمان در تنگنا هستند، حق دارند بپرسند: چرا وقتی بودجه هست، زندگی ما سخت‌تر می‌شود؟ این پارادوکس، قلب انتقادات را تشکیل می‌دهد. دولت باید شفاف کند که آیا این سیاستی عمده‌اند؟ اگر اولی باشد، نیاز به خانه‌تکانی جدی در مدیریت اجرایی است و اگر دومی، باید هزینه‌های این سیاست برای جامعه توضیح داده شود.

در نهایت، این گزارش فقط یک سؤال مطرح نمی‌کند بلکه خواستار پاسخ است. ۳۴۷ همت، عدد کمی نیست، می‌تواند موتور محرکه اقتصاد باشد یا به نماد ناکارآمدی تبدیل شود. انتخاب با دولت است، اما زمان زیادی برای تصمیم‌گیری باقی نمانده است. اقتصاد ایران بیش از این تحمل تعلل را ندارد و مردم منتظر اقدامند نه وعده.

## سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۴۰۵، کلید توسعه آینده

استفاده از آمار دقیق، برنامه‌های جامع‌تری برای رفع بحران مسکن تدوین کند.

سرشماری ۱۴۰۵ همچنین در زمینه ساخت مسکن برای افشار کم‌درآمد و محروم اهمیت دارد. به کمک این اطلاعات، دولت می‌تواند سیاست‌های مشخصی برای توزیع بهتر مسکن در مناطق مختلف اتخاذ و از انباشت جمعیت در برخی مناطق و مهاجرت‌های غیرضروری جلوگیری کند.

■ **ضرورت همکاری همه دستگاه‌های دولتی و نهاده‌ا**

در رئیس‌جمهور برای اجرای سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۴۰۵ به‌وضوح نقش‌های مهم‌تر تعیین نیاز به همکاری گسترده‌تری از سوی دستگاه‌های دولتی و نهادهای مختلف دارد. تمامی وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرائی از جمله وزارت کشور، وزارت راه و شهرسازی، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و حتی شرکت‌های دولتی و خصوصی باید در جهت جمع‌آوری داده‌ها و فراهم کردن زیرساخت‌های لازم برای اجرای این سرشماری همکاری کنند.

این همکاری‌ها نه‌تنها به سرعت و دقت فرایند سرشماری کمک خواهد کرد بلکه موجب تسهیل در استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده برای برنامه‌ریزی‌های بعدی خواهد شد. علاوه بر این در راستای رویکرد جدید آماری، دستگاه‌ها باید هم‌زمان با سرشماری، اطلاعات موردنیاز را به‌طور مستمر در اختیار مرکز آمار ایران قرار دهند تا این مرکز بتواند داده‌ها را به‌روزرسانی کند و به‌موقع نتایج موردنیاز را در اختیار مسئولان قرار دهد.

■ **گامی مؤثر در کاهش مشکلات اقتصادی و اجتماعی**
در نهایت، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۴۰۵ می‌تواند به‌عنوان ابزاری مؤثر در کاهش مشکلات اقتصادی و اجتماعی کشور عمل کند. داشتن اطلاعات دقیق و به‌روز از وضعیت جمعیتی و توسعه‌ای می‌تواند باعث حل مشکلات موجود و کاهش هزینه‌ها شود. در صورت استفاده صحیح از این داده‌ها، دولت قادر خواهد بود تصمیمات بهتری برای رشد اقتصادی، بهبود کیفیت زندگی مردم و ارتقای سطح رفاه اجتماعی اتخاذ کند.

در پایان، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۴۰۵ نه‌تنها یک ضرورت برای برنامه‌ریزی‌های آینده است بلکه در کاهش شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی کشور نیز نقشی مؤثر خواهد داشت. ایران به‌عنوان کشوری در حال توسعه، نیازمند آمار درست و به‌روز است تا با آن بتواند برنامه‌های جامع و مبتنی بر واقعیت اقتصادی و اجتماعی به‌دست آورد و کشور را در مسیر توسعه پایدار قرار دهد.



اید. این تغییر روش باعث خواهد شد اطلاعات جمع‌آوری‌شده نه‌تنها دقیق‌تر و معتبرتر باشد بلکه فرایند جمع‌آوری داده‌ها نیز سریع‌تر و با کمترین خطا انجام گیرد.

■ **راهی برای بهبود برنامه‌ریزی‌های آمایش سرزمین**
دولت‌ها به‌منظور تدوین سیاست‌های درست و هدفمند نیازمند اطلاعات دقیق و به‌روز از وضعیت جمعیتی و مسکن کشور هستند به‌ویژه در کشوری همچون ایران که همواره با چالش‌های جمعیتی، مسکنی و اقتصادی روبه‌روست، اطلاعات به‌روز می‌تواند گام‌های بلندی را در حل مشکلات و چالش‌ها بردارد. از طریق سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۴۰۵ می‌توان دقیقاً درک کرد در کدام مناطق کشور چه تعداد واحد مسکونی وجود دارد و وضعیت جمعیتی در این مناطق به چه صورت است.

این اطلاعات به‌ویژه در راستای برنامه‌ریزی‌های آمایش سرزمین و توسعه مناطق مختلف کشور می‌تواند کمک شایانی کند. برای مثال با شناخت دقیق از وضعیت مسکن در هر منطقه می‌توان به‌طور مؤثرتر و به‌موقع‌تر نسبت به احداث مسکن، بازسازی و نوسازی واحدهای مسکونی و حتی تخصیص منابع مالی اقدام کرد. همچنین این سرشماری می‌تواند به دولت و مسئولان این امکان را بدهد که تصمیمات بهتری در زمینه توسعه زیرساخت‌ها، حمل‌ونقل و سایر بخش‌های مهم بگیرند.